

ویژگیهای فقه ملامحسن فیض

(۷)

دکتر علیرضا فیض

شش بخش از این گفتار، زیر عنوانهای ذیل مورد بررسی قرار گرفتند:

الف: مباحث مقدماتی: ۱- فیض فقیه ۲- معرفی مفاتیح الشرایع ۳- اجتهاد و تقلید ۴- تقلید از میت ۵- مأخذهای فقه ۶- تقسیم احادیث.

ب: مباحث فقهی: ۷- نیت ۸- بلوغ ۹- نماز جمعه ۱۰- مسافت معتبر در نماز قصر ۱۱- تحدید در آیه وضو ۱۲- خشک بودن محل مسح ۱۳- سخنی در کعبین ۱۴- غسل ترتیبی ۱۵- غسل از وضو کفایت می‌کند ۱۶- وضو گرفتن با گلاب ۱۷- پوست دباغی شده مردار ۱۸- حیوانات تذکیه شده ۱۹- آب مضاف مانند آب مطلق است ۲۰- عدم انفعال آب قلیل ۲۱- عدم تنجیس متنجس ۲۲- آمین گفتن در نماز ۲۳- جهل داشتن به سمت قبله ۲۴- مسافت معتبر در نماز مسافر ۲۵- حکم مسافری که شغل او مسافرت است ۲۶- نماز تمام خواندن کثیرالسفر ۲۷- احکام سجود ۲۸- حکم پاکی موضع سجده ۲۹- قرائت سوره سجده در نماز ۳۰- یک مسأله در تشهد ۳۱- یک مسأله در نماز ۳۲- شک در شماره رکعت‌های نماز ۳۳- نماز احتیاط ۳۴- کسی که نماز واجب بر عهده دارد آیا می‌تواند نافله بخواند ۳۵- نماز استیجاری ۳۶- طهارت اهل کتاب ۳۷- طهارت مسکرات ۳۸- فضله و بول همه پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت پاک است ۳۹- حکم شک در رکعت‌های نماز ۴۰- در رکوع و سجود نمازهای واجب، مسمای ذکر، کافی است ۴۱- در نمازهای یومیه، خواندن سوره کامل پس از حمد، واجب نیست

۴۲- وقت نماز جمعه ۴۳- نماز میت ۴۴- صحت روزه مغمی علیه (از هوش رفته) و دیوانه و کودک ممیز ۴۵- رساندن غبار غلیظ به حلق، روزه را باطل نمی‌کند ۴۶- در نماز و روزه استیجاری اشکال است ۴۷- عدم وجوب خمس در منافع کسب و تجارت ۴۸- حدّ لواط ۴۹- حدّ سحق (مباحقه) ۵۰- حلیت یا حرمت اکل ماهی بی فلس و سایر آب زیان ۵۱- ذبیحه اهل کتاب ۵۲- ذبح حیوان با بریدن چهار رگ گردن ۵۳- حیات مستقرّه قبل از ذبح حیوان لازم است یا نه؟ ۵۴- خرید و فروش روغن نجس برای بهره‌گیری از روشنائی که به وسیله آن بهم رسد ۵۵- حق الماره ۵۶- دو شرط از شرایط رضاع مورد قبول فیض نیست ۵۷- حرمت نکاح با زنان کافره غیرکتابی ۵۸- در عقد نکاح، عربی بودن صیغه و ماضی بودن و تقارن ایجاب و قبول و تقدیم ایجاب بر قبول، لازم نیست ۵۹- در عقد منقطع، اگر مدت را ذکر نکنند، عقد باطل است ۶۰- طلاق به هر زبان واقع می‌شود ۶۱- تجرید صیغه طلاق از شرط و صفت.

و اینک در بخش هفتم ویژگیهای فقه ملامحسن فیض را دنبال می‌کنیم:

۶۲- هرآنچه دارای منفعت حلال و عقلائی باشد، خرید و فروش آن جایز است:

ملاححسن فیض در مفاتیح الشرایع گوید^(۱): آنچه من بدان اعتماد دارم این است که خرید و فروش هر چیزی که دارای منفعت حلال است، و عقلاً بدان توجه دارند جایز است، مگر آنکه اجماع معتبر برخلاف آن باشد^(۲) به دلیل اصل، و عموم احلّ الله البیع، و روایت کل شیء مطلق حتی ورد فیه نهی، و عدم دلیل قابل قبولی بر منع، زیرا مثلاً می‌گویند عذره نجس را نتوان فروخت، به جهت خبائث و آلودگی آن. فیض گوید: خبائث و نجاست، صلاحیت برای ممنوعیت و عدم جواز بیع را ندارد، و اخبار درباره مدفوع انسان با وجود ضعف و سستی آنها مختلف است، (و قابل استناد نیست)

ملاححسن فیض در آغاز این مبحث گوید: یکی از شرایط عوضین (ثمن و مثن) این است که هر یک دارای سود حلال باشد، و دارای منفعتی باشد که مقصود عقلاً است، بنابراین فروختن چیزی که سود مشروعی در آن نیست درست نمی‌باشد، مثلاً فروختن مردار و اجزای آن (در صورتیکه نفع عقلائی بر آن مترتب نباشد).

سپس فیض اقوال مختلف و پراکنده‌ای را که در این باره هست، بی آنکه به آنها اعتماد داشته باشد بدین‌گونه نقل می‌کند:

بعضی از فقها بطور مطلق از بیع اعیان نجسه و مایعات متنجسه غیرقابل تطهیر، منع کرده‌اند و علت منع را خبثات و نجاست آنها دانسته‌اند، مگر سگ شکاری را بجهت منفعت حلال آن، که شکار کردن است، و مگر روغن‌های نجس را برای منفعت روشنائی گرفتن از آنها و بعضی از فقها علاوه بر سگ شکاری خرید و فروش سگ زراعت و سگ گله و سگ حیاط را نیز جایز دانسته‌اند بخاطر همین منفعتی که بر آنها مترتب است.

و نیز بعضی از فقها از خرید و فروش حیوانات مسخ شده منع کرده‌اند. بنابر اینکه آنها تذکیریه‌پذیر نباشند (یعنی با تذکیر پاک نشوند) و بعضی فیل را استثنا کرده‌اند بجهت نصی که در آن وارد شده است، همچنین منع کرده‌اند از فروش قورباغه و لاک‌پشت و همه درندگان و استثنا کرده‌اند گربه را از ممنوع بودن، بخاطر نصی که در آن وارد شده است، و بعضی دیگر یوزپلنگ را نیز استثنا کرده‌اند. برای آنکه شایستگی دارد شکار کردن را، و بعضی دیگر پرندگان درنده و شکاری را نیز استثنا کرده‌اند. به جهت این صحیحه: عن الفهود و سباع الطیر هل یلتمس التجاره فیها؟ قال نعم^(۱) راوی گوید درباره یوزها و پرندگان شکاری پرسیدم که آیا می‌شود به آنها تجارت کرد، و خرید و فروش؟ امام فرمود: آری.

و بعضی قائل به جواز بیع همه درندگان شده‌اند چراکه بر پوست و پشم و پر آنها سود عقلائی مترتب است، و قابل تذکیر هستند و پاک و سودمند می‌باشند و نص درباره پوست دباغی شده پلنگ وارد است، و بعضی قائل به منع خرید و فروش فضولات (مدفوع و بول) حیوانات بطور مطلق شده‌اند، اعم از طاهر آنها و نجس آنها بجهت خبثات و آلائش مدفوع و بول، و فقط بول شتر را به جهت مداوا و معالجه استثنا کرده‌اند، و نصی در آن نیز وجود دارد.

و ظاهر نصوص در مورد استثناء‌های نامبرده شده این است که هرکدام دارای منفعت حلال بوده است. اجازه خرید و فروش آن داده شده و می‌توان استنباط کرد که ملاک

جایز بودن، داشتن منفعت عقلائی است. منتها در آن نصوص، سائل فقط در مورد یکی از آن حیوانات که دارای منفعت حلال بوده است سؤال کرده و امام برابر سؤال پرسش کننده، جواب داده‌اند، وگرنه داشتن منفعت عقلائی و مقصود، ملاک جواز هر معامله‌ای خواهد بود.

۶۳- فروختن گوشت حیوان به خود حیوان جایز است:

مشهور فقها جایز نمی‌دانند فروختن گوشت را به حیوانی که از جنس همان گوشت باشد و آنرا، ربوی و حرام می‌شمارند، مثل گوشت گوسفند به خود گوسفند، و گوشت گوسفند به بز ملامحسن فیض در مفاتیح الشرایع^(۱) گوید:

در اینکه آیا جایز است فروختن گوشت به حیوانی از جنس همان گوشت؟ دو قول است و مشهور، آن را جایز نمی‌دانند، ولی ابن ادریس حلی جایز می‌داند، زیرا خود حیوان اندازه‌گیری و مشخص نمی‌شود به یکی از دو امر (ی که موجب رباست، یعنی کشیدنی و پیمانه کردنی نیست) سپس فیض گوید: نظر ابن ادریس، نظر استواری است، در صورتیکه حیوان زنده را به گوشت جنس آن بفروشند، اگرچه این معامله کراهت دارد بعلت ورود روایت موثق درباره آن.

۶۴- شرکت اعمال و مفاوضه و وجوه جائز است:

فقها گویند: شرکت اعمال و مفاوضه و وجوه صحیح نیست.

شرکت اعمال که بدان شرکت ابدان نیز گویند بدینگونه است که دو نفر یا بیشتر قرارداد شرکت می‌بندند که هر یک، خود کار کند و هرچه در نتیجه کار هر یک بدست آمد مشترک بین هر دو و بیشتر از دو باشد، و فرق نمی‌کند که کارشان برابر هم باشد، یا نباشد، زیرا کار هر یک بخود او اختصاص دارد، و مجزی و جدا از کار دیگری است. شرکت مفاوضه بدینگونه است که دو یا چند نفر به وسیله قراردادی با هم شریک می‌شوند بر اینکه هر یک هر آنچه از غنیمت و سود و یا تجارت، یا حیازت یا میراث یا غیر اینها بدست آورد، همه در آن مشترک باشند، و هر یک چیزهائی را نسبت به دیگری ملتزم می‌شود که دیگری نسبت به او ملتزم شده است، از ارش جنایت و ضمان مغضوب و غرامت تالف و غیره.

شرکت وجوه بدینگونه است که دو نفر مستمند، و بی بضاعت ولی آبرومند، و معتبر و دارای جاهت عمومی، کالاهائی را به مدت خریداری می کنند و می فروشند سپس بهای آن را می پردازند و سود بدست آمده میان آنان بخش می شود.

ملاحسن فیض گوید^(۱): ما به نصی درباره این احکام (و عدم صحت این نوع شرکتها) برنخوردیم و آنچه برای منع بدان استناد کرده اند خالی از ضعف نیست، و در صورت تراضی و تصالح چنین مانعی از صحت وجود ندارد، (و همه صحیح و نافذ هستند).

